

در گفت‌وگو با مهدیه دهقانی هنرمند مجسمه‌ساز مطرح شد:

## شهر داری در نگهداری مجسمه‌های شهر ضعف دارد

❖ برخی آثار فعلی مزیتی جز ایجاد آلودگی بصری ندارند!

❖ تداوم سمپوزیومها در کرمان در حد حرف باقی می‌ماند

❖ اسما پورزنگی آبادی

بخشی از نازیبايي و آشفته‌گي شهر کرمان، به اذعان بسیاری، ناشی از مجسمه‌هایی است که شهرداری در معابر عمومی نصب می‌کند. هم کیفیت بسیاری از این آثار و هم جانمایی آن‌ها باعث بروز چنین شرایطی شده است، آن هم در حالی که کرمان در زمینه هنر مجسمه‌سازی هنرمندان سرآمد و زبده زیادی داشته و دارد. در گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید، مهدیه دهقانی - هنرمند مجسمه‌ساز با ارزیابی کیفیت مجسمه‌ها، از نادیده گرفتن هنرمندان کرمانی توسط شهرداری انتقاد کرده و در دوره اخیر بخشی از اظهاراتش می‌گوید که در دوره اخیر شاهد المان‌های زیاد و ضعیف کار شده با CNC هستیم که طرح‌های بسیار فانتزی و بیگانه با فرهنگ و اقلیم و محیط پیرامون هستند که یقیناً هزینه‌های گزاف و بیهوده‌ای را در بر دارند، اما جز ایجاد آلودگی بصری در شهر هیچ مزیتی ندارند. او در بخش دیگری از این گفت‌وگو، با اشاره به اینکه شهرداری در این دوره هیچ تمایلی برای همکاری با هنرمندان نشان نداده است، می‌افزاید: به گمان بنده شهردار فعلی کرمان هیچ ارزشی برای هنرمند و آثار هنری قائل نیست و حتی آن‌ها را به دفتر خود نمی‌پذیرد!

دهقانی آثار متفاوتی خلق می‌کند که متزیال آن بیش‌تر مواد بازیافتی است. مجسمه چوگان‌باز در موزه هنرهای معاصر صنعتی از جمله آن است. در معابر شهر کرمان اما اکنون از این هنرمند کرمانی هیچ اثری وجود ندارد!

او که تجربه حضور در دو پروژه جهانی و حضور در بیش از ۳۰ نمایشگاه داخلی و بیش از ۲۰ نمایشگاه خارجی از جمله سن پترزبورگ، فلوریدا، کالیفرنیا، سان فرانسیسکو، هند، آلمان، مراکش، فیلیپین، کره جنوبی و ... را دارد، درباره اینکه آیا هم‌اکنون ایده‌های یا اثری برای نصب در شهر دارد؟ با بیان اینکه ایده‌های فراوانی هست اما انگیزه‌ای برای اجرای آن ندارد، توضیح می‌دهد که تجربه حاصله از رابطه میان شهرداری با برخی هنرمندان شهر منجر به یاس و نومیدی شده است که خود مسئولین هم به آن واقف هستند اما از آن جایی که یا کار خوب و بد را تشخیص نمی‌دهند یا کیفیت آثار برایشان اهمیت ندارد، کارهایی در سطح ابتدایی را با هزینه‌هایی که نمی‌دانم چقدر است، به خود شهر و شهروندان می‌دهند.

گفت‌وگو با او را در ادامه می‌خوانید.

❖ خانم دهقانی، برخی بر این باورند که تعداد زیادی از مجسمه‌هایی که در شهر کرمان نصب شده، از کیفیت کافی برخوردار نیستند. ارزیابی شما در این باره چیست؟

در ابتدا باید بدانیم که شهر یک مجموعه واحد است که با وجود رابطه‌مندی عناصر سازنده آن از قبیل شهروندان، درخت‌ها، فضای سبز، ساختمان‌ها، خیابان‌ها، مبلمان شهری و ... می‌تواند صاحب هویت شود. پس وقتی صحبت از مجسمه می‌شود ابتدا رعایت این موضوع که همانا رابطه‌مندی اثر با محیط فیزیکی و فرهنگی شهر است باید لحاظ شود تا بتوانیم مدعی اثر هنری موفق در شهر باشیم. اگر با چنین رویکردی مجسمه‌های کنونی شهر کرمان را ارزیابی کنیم خواهیم دید که ما در پنج سال اخیر تقریباً مجسمه موفق در محیط شهری نداشته‌ایم. البته که مجسمه خواجوی کرمانی اثر استاد قهاری و تعدادی از مجسمه‌هایی که در مسیر پارک مادر کنار پل فرهنگیان نصب شده‌اند از ویژگی‌های یک اثر خوب برخوردارند اما این مجسمه‌ها مربوط به سال‌های قبل‌تر هستند. بعضی از کارها در شهر کرمان کپی آثار هنرمندان دیگر کشورهاست که بدترین شکل ممکن اجرا شده‌اند و علاوه بر آن، هیچ هماهنگی نیز با فرهنگ ما ندارند. از طرفی، پیشرفت تکنولوژی که توانسته کمک بسیار خوبی برای سهولت در پرداختن به خلق آثار هنری شود در شهر ما به بی‌راهه رفته و هرکسی بدون هیچ آگاهی و سواد بصری درست، به شهرداری پیشنهاد المان

می‌دهد و در مناسبت‌ها و ایام مختلف با بهره گرفتن از صنعت CNC طرحی را اجرا می‌کند که هیچ ارزش هنری ندارد و از نگاه من زباله شهری تولید می‌کند تا اثر هنری. مثل برش گل و پروانه و کتاب و فرم‌های نوشتاری و ... که به وفور در سطح شهر کرمان شاهد آن هستیم. به عنوان مثال چگونه المانی غول‌پیکر از فرم کتابی فلزی با چند گل و پروانه و نام شاهنامه فردوسی می‌تواند بیانگر شاهکار ادبی ایران زمین باشد؟! کجای آن می‌تواند گویای فرهنگ اساطیری و حماسی ما در شاهنامه باشد؟ البته پذیرش این آثار از سوی زیباسازی و کارشناسان مربوطه بسی جای تعجب دارد!

❖ چرا تلاش‌هایی که شهرداری کرمان در این زمینه دارد به نتیجه دلخواه تبدیل نمی‌شود؟ فرایند انتخاب مجسمه‌ها و هنرمندان ایراد دارد یا اساساً این فرایند شفاف نیست؟ یا از نیازهای شهر شناخت درستی وجود ندارد؟ یا سفارش‌دهنده ناآگاه و غیرمتخصص است؟ یا اشکالات دیگری وجود دارد؟ شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

هر دوره از شهرداری شاهد ضعف‌هایی بوده‌ایم. در بعضی از دوره‌ها مسئولین وقت اعتقادی به المان‌ها و مجسمه‌های شهری نداشتند و وجود آن‌ها را بیهوده می‌دانستند و شاهد پافشاری بر این عقاید خود و رکود در تولید آثار هنری مناسب در شهر بوده‌ایم. در بعضی از دوره‌ها هم که شهرداری به این بخش توجهی نداشته، کارگروه و تیم تخصصی کم داشته‌ایم تا در تصمیم‌گیری و انتخاب درست هنرمند و اثر صحیح عمل کنند. بعضاً حمایت و توجه کارگروه یا کارشناسان شهرداری به یک نفر بیش‌تر بوده و حمایت بی‌مورد از طرح‌هایی صورت می‌گرفت که شایسته فضای شهری نبودند. در دوره اخیر هم شاهد المان‌های زیاد و ضعیف کار شده با CNC هستیم که طرح‌های بسیار فانتزی و بیگانه با فرهنگ و اقلیم و محیط پیرامون هستند که یقیناً هزینه‌های گزاف و بیهوده‌ای را در بر داشته و جز ایجاد آلودگی بصری در شهر هیچ مزیتی ندارند. به عنوان مثال المان‌هایی که نوروز اسمال

❖ چند دوره سمپوزیوم مجسمه‌سازی در کرمان برگزار شده است. چقدر این رویداد توانسته در افزایش کیفیت مجسمه‌های شهر موثر باشد؟

شکی نیست که برگزاری برنامه‌های متعدد هنری از قبیل سمپوزیوم‌ها، سمینارها و ... در رشد سواد بصری و ارتباط بهتر شهروندان با آثار هنری موثر است و لازم. تاکنون در کرمان چند رویداد مجسمه در زمینه سنگ و فلز و چوب برگزار شده و مفید بوده‌اند. اما عدم تداوم آن‌ها نشان‌دهنده یک بی‌برنامگی در سیستم مدیریتی شهرداری یا ارگان‌های ذی‌ربط است. متأسفانه بارها شاهد بوده‌ایم که در ابتدای این رویدادها وعده تداوم‌بخشی آن داده می‌شود اما فقط در حد یک حرف باقی می‌ماند. در این زمینه، ابتدا ضرورت آگاهی و سواد مسئولین و متصدیان و باور آن‌ها از ارزشمندی و اهمیت این رویدادها حائز اهمیت است، از طرفی احساس نیاز به داشتن المان‌ها و ارتقای سطح سواد بصری شهروندان و زیبا شدن مبلمان شهری هم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قطعاً با برگزاری هر سمپوزیوم در هر دوره تعدادی اثر حرفه‌ای، ارزشمند و قابل ارائه در فضای شهری خواهیم داشت که در درازمدت رضایت شهروندان را جلب خواهد کرد. بنده اما اساساً با برگزاری سمپوزیوم‌ها با بازه زمانی کوتاه و ابعاد بزرگ مخالفم چرا که در پایان کار این توقع از سوی برگزارکننده سمپوزیوم وجود دارد که اثر دارای کیفیت بالا و قابل ارائه در فضای شهری باشد در حالی که هر اثر هنری در پایان نیازمند بازبینی و تأمل است که در اغلب سمپوزیوم‌ها محدودیت زمان این فرصت را از هنرمند می‌گیرد. علاوه بر این، گاهی ممکن است اثری بسیار ارزشمند باشد اما مناسب فضای شهری که بعداً مسئولین تعیین می‌کنند، نباشد و یا فاکتورهای مناسب آن کار در شهر موجود نباشد که همین مسائل بر بازخوردهای کار اثر می‌گذارد. گاهی نیز محدودیت زمانی و شرایط نامناسب محیط، فشار کاری و روحی به هنرمند وارد می‌کند که خواه ناخواه بر اجرای اثر تأثیر منفی گذاشته و نتیجه آن چیزی نمی‌شود که خواست هنرمند است. از این رو، به نظر بنده سمپوزیوم‌ها می‌توانند فرصتی



مناسب برای آشنایی بیش‌تر مسئولین با توانایی هنرمندان مدعو باشند تا سفارش مجسمه‌های شهری را براساس توانمندی هر هنرمند در مسیر درستش قرار دهند.

❖ اشاره کردید که تنها تعداد معدودی کار با ارزش هنری بالا در شهر وجود دارد. فقط کیفیت مجسمه‌ها ایراد دارد یا شهرداری در جانمایی مجسمه‌ها هم غیر حرفه‌ای عمل می‌کند؟

یقیناً جانمایی اثر بخش مهمی از اثر است و در ارتباط با مخاطب و آنچه قرار بوده اثر در تعامل با مخاطب، گویای آن باشد نقش مهمی را ایفا می‌کند که تعیین آن باید با مشورت خود هنرمند باشد یا این که قبل از اجرا، مکانی که برای نصب مدنظر دارند را به هنرمند ابلاغ کرده باشند و هنرمند با توجه به آن محیط به خلق اثر سفارش داده‌شده بپردازد. متأسفانه گاهی مسئولین شهرداری در این کار مداخله می‌کنند و در پایان باز خورد مناسبی را در قبال هزینه انجام گرفته نداریم و این موضوع جای انتقاد دارد.

❖ وقتی از مجسمه‌های شهری انتقاد می‌شود، معمولاً شهرداری اظهارنظرهایی

می‌کند. مثلاً می‌گویند: مردم از مجسمه‌ها خوششان آمده و کنارشان عکس گرفته‌اند یا می‌گویند: مجسمه‌ها حس افسردگی به بینندگان می‌داده و باید حذف شوند. معیار قضاوت درباره یک مجسمه خوب شهری چیست؟

میزان عکس گرفتن شهروندان در کنار مجسمه‌ها و المان‌های شهری نمی‌تواند معیاری برای ارزش‌گذاری المان‌ها باشد. مردم در کنار هر اتفاق زیبا و نازیبایی، تمایل به عکس گرفتن و انعکاس آن دارند. مجسمه شهری اما باید دارای فاکتورهایی باشد، هر مجسمه‌ای به تناسب موضوع و بیانی که داشته باید بتواند با بخشی از جامعه ارتباط برقرار کند. گاه آثار شهری می‌توانند تحت تأثیر فرهنگ و تمدن و اقلیم هر منطقه متفاوت با دیگر مکان‌ها طراحی و ساخته شوند. یک مجسمه می‌تواند معرف فرهنگ و زیست یک منطقه باشد و حتی باعث ارتقای سطح فکری و بصری مخاطب شود. به گمانم مجسمه‌هایی که ریشه در فرهنگ و تاریخ دارند بهتر در حافظه شهروندان می‌مانند.

❖ اشاره‌ای به رابطه شهرداری کرمان و هنرمندان داشتید. در چند سال اخیر، این رابطه با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده، مقاطعی بوده که درهای شهرداری به روی هنرمندان باز بوده و زمان‌هایی بوده که عکس این وضعیت وجود داشته است. در این دوره که شریفات تبریزی شهردار است، رابطه شهرداری با هنرمندان را چطور دیدید؟

در دوره‌های قبل، ارتباط شهرداری با هنرمندان بهتر بوده گاهی نشست‌هایی با حضور هنرمندان برگزار می‌شد اما ضعیف‌ترین دوره همین دوره فعلی است. شهرداری در این دوره هیچ تمایلی برای همکاری با هنرمندان نشان نداده است. به گمان بنده شهردار فعلی کرمان ارزشی برای هنرمند و آثار هنری قائل نیست و آن‌ها را حتی به دفتر خود نمی‌پذیرد!

❖ خانم دهقانی، در حال حاضر از خود شما چند اثر در سطح شهر نصب شده است؟

چندین المان در خارج از شهر و استان کرمان دارم و چندین اثر هم برای کرمان طراحی و نصب کردم. درباره این آثار بازخورد خوبی از هم‌شهریان عزیزم و خارج از استان و خارج ایران داشتم اما طی سال‌های اخیر با عناوین و دلایل مختلف حذف و یا رپوده شدند.

❖ مجسمه‌هایی که کنار گنبدجلیله داشتید و از مواد بازیافتی ساخته بودید چرا جمع شد؟

اخیراً مجموعه چوپان و بزها که در مجاور گنبد جلیله نصب شده بودند جمع‌آوری شده و به جای آن چند پروانه رنگی که کاملاً فانتزی و کودکانه است در چنین مکانی نصب شده است. این انتخاب و تایید از سوی کارشناسان هنری شهرداری جای سوال و تعجب دارد! به گفته دوستان بخشی از این مجموعه چوپان رپوده شده بود و بخشی دیگر نیز توسط شهرداری جمع‌آوری شده است، عدم توجه و ضعف در نگهداری آثار هم یکی از اشکالات کار شهرداری کرمان است. در حالی این آثار حذف شد که مجسمه‌های بازیافتی به‌خاطر محیط زیستی بودن و نوع و تنوع در متزیال و موضوعاتی که نوستالژی داشته و برگرفته از فرهنگ بومی منطقه بودند توانسته بود هم برای مخاطب عام و هم مخاطب خاص ارتباط خوبی برقرار کند و مورد استقبال بی‌نظیری قرار بگیرد. بعد از جمع‌آوری، پیشنهادی برای احیای مجدد این مجموعه داشتم اما از نوع گفت‌وگو و سفارش دادن کار به هنرمند برآم روشن شد که آثار هنری برای شهرداری یک نمایش اداری هستند و فاقد ارزش و اهمیت؛ چرا که اگر غیر از این بود کمی تلاش برای نگهداری و دفاع از آثارشان می‌شد.

❖ اثری آماده نصب در شهر دارید؟ یا ایده‌های دارید که بخواهید برای نصب در کرمان آن را اجرایی کنید؟



ایده که بسیار است اما انگیزه‌ای برای اجرا نیست یا همکاری برای اجرای آن از سوی شهرداری ضعیف بوده است. تجربه حاصله از رابطه میان شهرداری با برخی هنرمندان شهر منجر به یاس و نومیدی شده است که خود مسئولین هم به آن واقف هستند اما از آن جایی که یا کار خوب و بد را تشخیص نمی‌دهند یا کیفیت آثار برایشان اهمیت ندارد، کارهایی در سطح ابتدایی را با هزینه‌هایی که نمی‌دانم چقدر است، به خورد شهر و شهروندان می‌دهند. در مورد اینکه سفارشی داشته‌ام و یا کاری در دست دارم یا نه؟ به مجموعه چوگان باز که در زمان شهردار سابق جناب عالم‌زاده طراحی و سفارش داده شد اشاره می‌کنم. از آن جایی که کرمان مهد چوگان ایران بوده است، بنده این اثر را برگرفته از دیواره‌نگاره‌های میدان گنجعلی‌خان اجرا کردم ولی در پایان، مورد لطفی و برخورد ناشایست از سوی دوستان زیبا سازی قرار گرفت، بنده هم ترجیح دادم این اثر را به رسم امانت به موزه هنرهای معاصر کرمان بسپارم. موزه کرمان از ارزشمندترین و غنی‌ترین موزه‌های ایران است و برای من هم افتخاری است که اثرم آنجا دیده شود تا این که در داخل شهر نصب شود و هیچ تعهدی در قبال نگهداری و محافظت از آن از سوی مسئولین مربوطه نباشد.

❖ تجربه‌ای از همکاری شهرداری و هنرمندان در شهرهای دیگر دارید که برای کرمان مفید باشد؟

آثار من به دلیل رویکرد بازیافتی و پیوند آن‌ها با تجربه زیست مردم هر منطقه مورد استقبال واقع می‌شوند. برخلاف شهرداری کرمان، خیلی از دوستان و هنرمندان و مدیران شهرهای دیگر و هنرمندان و مجموعه‌داران آثار هنری، همچنین هنرمندان خارج از ایران از طریق صفحه اینستاگرام یا ایمیل و یا تماس تلفنی بارها این آثار را تحسین کرده‌اند. در پروژه جهانی که در سال ۲۰۱۷ در کشور آلمان برگزار شد دعوت شدم و از نمونه اجراهای بازیافتی بنده استقبال بی‌نظیری شد و مورد تقدیر مسئولین شهرداری شهر دامشتات در کشور آلمان واقع شد. در ایران هم، به‌عنوان مثال می‌گویم که مدیرعامل زیباسازی اصفهان چندین بار از کارگاه بنده بازدید کردند و از من برای دو سمپوزیوم فلز دعوت کردند؛ در حالی که هیچ‌کدام از مسئولین شهرداری کرمان توجهی به این آثار نداشتند! همچنین سال ۱۴۰۰ در جزیره کیش مجموعه‌ای را اجرا کردم که در میدان ساحل نصب شد که هم برای خودم و هم مدیران سازمان در کیش خوشایند بود و مورد تقدیر واقع شدم. مدیرعامل عمرانی کیش بعد از نصب این مجموعه، از بنده دعوت کردند مدیر شبکه مستند، مستندی با عنوان «جان فلزی» از روند اجرای کارهای بنده ساخته شد که چندین بار از شبکه‌های مختلف سیما ایران و شبکه‌های عربی پخش شده است. واضح است که برای داشتن شهری با مبلمان و آثار هنری خوب ضرورت‌هایی هست، ضرورت فهم نیاز، ضرورت داشتن دانش و سواد تجسمی، ضرورت داشتن کارشناسی که کارشناس باشند، ضرورت عدم دخالت مسئولین در تشخیص تیم کارشناسی و در نهایت ضرورت صرف هزینه درست و کافی برای دعوت از تیم کارشناسی که به نظر خود نوعی صرفه‌جویی است چون از هزینه‌های بیهوده و آلودگی منظر شهری جلوگیری می‌شود. شهرهای مطرح دنیا و همچنین شهرهای موفق در ایران، با کمترین منابع اما با آینده‌نگری و داریت و خلاقیت و انگیزه برتر بودن و با تکیه و اعتماد بر نیروهای کارآمد به بهترین نتایج رسیده‌اند.